

رفع خطر جنگ از کشورمان از راه سرنگونی حکومت اسلامی می گذرد/ کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران



سیاستهای حکومت اسلامی در منطقه جز ماجراجویی و کشاندن ایران به لبه پرتگاه جنگ، حاصلی نداشته است. اکنون بر همه نیروهای دمکرات، چپ و صلح دوست است تا در مبارزه علیه سیاستهای جنگ افروزانه و خانمانسوز رژیم حاکم بر ایران هماهنگی و همپیوندی لازم را عملی نموده و شعله های جنبش «زن، زندگی، آزادی» را که هیچگاه خاموش نشده است، فروزان تر نموده تا این مبارزات راه خلاصی از این حکومت ضد انسانی، جنایتکار و سرکوبگر را هموار کنند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در مورد خطر گسترش جنگ در منطقه :



رفع خطر جنگ از کشورمان از راه سرنگونی حکومت اسلامی می‌گذرد!

نیروی هوایی ارتش اسرائیل روز شنبه - پنجم آبان/بیست و ششم اکتبر، در پاسخ به حملات موشکی حکومت اسلامی در روز ده مهر/ اول اکتبر به اسرائیل، پایگاه‌ها و مراکز صنایع نظامی و موشکی سپاه پاسداران در تهران و شهرهای مختلف را بمباران کرد. طبق اخبار رسیده تا کنون ۵ نفر از پرسنل نظامی کشته شده‌اند. از میزان خسارات وارده اطلاع درستی در دست نیست.

در حالی که دولت اسرائیل این حملات را در پاسخ به حملات حکومت اسلامی کافی می‌داند، برخی از مقامات رژیم ایران اعلام کرده‌اند که حق پاسخ به این حملات را برای خود محفوظ نگهداشته و به موقع تلافی خواهند کرد. جامعه بین‌المللی هم از هر دو طرف درخواست کرده است که با خودداری از حملات تلافی‌جویانه از تشدید تنش در منطقه و گسترش جنگ خودداری کنند.

بیش از یکسال از آغاز دور جدید درگیری نظامی اسرائیل با نیروهای فلسطینی در نوار غزه می‌گذرد. این جنگ که با حمله حماس در ۷ اکتبر به اسرائیل آغاز شد، تا کنون بیش از ۵۰ هزار کشته و دهها هزار مجروح بجای گذاشته و بیخانمانی بیش از دو میلیون فلسطینی نوار غزه را بدنال داشته است. همچنین در مقابل راکت باران شمال کشور خود توسط حزب الله و به بهانه مقابله با آن، اسرائیل دست به بمباران وسیع نه تنها پایگاه‌های حزب الله بلکه مناطقی مسکونی در جنوب و شمال لبنان و برخی نقاط دیگر و به ویژه بیروت زده است و منطقه را با خطر گسترش جنگ روبرو کرده است

حکومت اسلامی در ادامه سیاست پشتیبانی از گروه‌های بنیادگرا و ارتجاعی در منطقه و برای حفظ نفوذ خود در میان این گروه‌ها، علیرغم آن که از ابتدای شروع جنگ، سیاست پرهیز از درگیری مستقیم با اسرائیل را دنبال می‌کرد، دست به موشک باران اسرائیل زد. حکومت اسرائیل نیز که از ابتدا تلاش بسیار داشت تا پای حکومت اسلامی ایران را مستقیماً به این جنگ بکشاند، بدنال حمله موشکی ایران فرصت مناسبی پیدا کرده است تا با عنوان «دفاع از خود» و دادن پاسخ به این حمله جنگ را در منطقه گسترش دهد به این امید که آمریکا مستقیماً ناگزیر به مداخله نظامی شود.

رژیم مذهبی حاکم بر ایران از ابتدای استقرار با ماجراجویی و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه از طریق «صدور انقلاب» و شعارهایی مانند «راه قدس از کربلا» می‌گذرد، «یهود ستیزی» و تهدیداتی مانند «محو اسرائیل» و اخیراً هم شعار، «از نهر تا بحر» و اقدام به برنامه‌های اتمی و سازمان دادن لشکر قدس، همواره در پی تنش‌افزایی در منطقه بوده است. این اقدامات و تهدیدات حکومت اسلامی بتدریج کار را به جایی کشانده است که ایران در وضعیت جنگی قرار گیرد.

طی یکسالی که از تهاجم وحشیانه اسرائیل به غزه می‌گذرد، دولت راست افراطی و فاشیست اسرائیل تقویت شده است. این دولت با استفاده از بی‌عملی قدرتهای جهانی نه تنها مرتکب جنایات جنگی بسیاری شده بلکه مطمئن شده است که این جنایات را می‌تواند ادامه دهد. حمله به جنوب لبنان و سپس بمباران برخی دیگر از مناطق این کشور از جمله بیروت را می‌توان نشانه‌های بارزی از این اقدامات دانست.

راست افراطی و فاشیست اسرائیل، که اکنون در قدرت است، بدنال نقشه «اسرائیل بزرگ» و پاک کردن سرزمین فلسطین از فلسطینیان و در واقع پاک کردن صورت مسئله فلسطین است. کشتار بیسابقه بیش از پنجاه هزار فلسطینی ظرف یکسال گذشته و ادامه این سیاست بدون آن که روشن کند که نهایتاً چه برنامه‌ای برای بیش از دو میلیون فلسطینی ساکن غزه دارد و همچنین سرنوشت فلسطینی‌های کرانه باختری چه خواهد شد، روشن‌گر این نکته است که فعلاً این کشتار تا آنجا که جامعه جهانی سکوت کند و مانعی بر سر راه راست افراطی صهیونیست‌ها نباشد، ادامه خواهد یافت.

اسرائیل که در ابتدا برای تضعیف «سازمان آزادیبخش فلسطین» و دیگر جریان‌های مترقی جنبش فلسطین از شکل‌گیری گروه‌های اسلامی و بویژه حماس حمایت می‌کرد، اکنون در پی آن است که حماس و حزب الله لبنان را از بین ببرد. یکی از اهداف مهم اسرائیل در حمله به حماس و حزب الله لبنان، تضعیف بازو و شاخک‌های جمهوری اسلامی برای تضعیف خود رژیم ایران نیز می‌باشد. البته دولت‌های عربی هم از این تضعیف سود خواهند برد.

اسرائیل برای حمله گسترده به ایران نیاز به مشارکت مستقیم آمریکا در این حمله دارد، اما سیر حوادث در این مدت نشان داده است که آمریکا در شرایط فعلی حاضر به ورود مستقیم به جنگ با ایران نیست. از این رو اسرائیل ناگزیر به حمله ای محدود و حساب شده اکتفا نموده است، تا ضمن آنکه چنگ و دندان خود را به حکومت اسلامی نشان می‌دهد، از تبدیل تنش بین دو کشور به یک جنگ تمام عیار پرهیز نماید.

از سوی دیگر ایران توان نظامی دفاعی لازم در مقابل قدرت هوایی اسرائیل را ندارد. از لحاظ نظامی، دو حمله موشکی و پهپادی رژیم به اسرائیل، نشان داد که علیرغم شعارهای توخالی، رژیم از قدرت ضربه زدن چندانی برخوردار نیست و قابلیت بازدارندگی خود را از دست داده است. در عرصه دفاع هوایی هم آسمان ایران تقریباً بی‌دفاع شده و اسرائیل هر وقت بخواهد، می‌تواند وارد فضای هوایی ایران شود. حماس، حزب‌الله و رژیم سوریه هم فعلاً خود در شرائط تدافعی هستند و در نتیجه "عمق راهبردی" جمهوری اسلامی که حکومت‌گران این همه به آن می‌بالیدند و هزینه‌های هنگفتی هم به مردم تحمیل کردند، ضربات سختی خورده است و منقبض شده است.

در داخل نیز حکومت با بحران اقتصادی شدیدی دست به گریبان است. تحریم‌ها مزید بر علت شده‌اند، ضمن آن که تحریم‌های جدیدی هم از سوی اروپا و آمریکا اعلام شده است. گرانی بیداد می‌کند و قیمت‌ها مدام افزایش می‌یابد. بیکاری و دشواری تامین معاش روزانه کمر مردم را خرد کرده است. اعتراضات کارگران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، مالباختگان و دیگر اقشار مردم در شهرهای مختلف ایران روزانه ادامه دارد و پاسخ دولت همچون همیشه سرکوب و زندانی کردن فعالان جنبش‌های اجتماعی است.

در شرائط حاضر جمهوری اسلامی در تنگنا قرار گرفته و استراتژی مشخصی هم ندارد. امکان مذاکره با آمریکا هم فعلاً تا پایان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تشکیل دولت جدید نامشخص است و در نتیجه امکان "نرمش قهرمانانه" هم فعلاً وجود ندارد. حکومت با روزمره کاری و دادن شعارهای توخالی در عرصه سیاست خارجی، به همراه تشدید سرکوب در داخل منتظر نتیجه انتخابات آمریکا خواهد ماند تا ببیند که چه کسی و چه سیاستی طرف مذاکره با وی خواهد شد.

گسترش درگیریهای کنونی به یک جنگ منطقه‌ای تمام عیار، حاصلی جز کشته شدن مردم بیگناه و تخریب زیرساختهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه نخواهد داشت. سیاستهای حکومت اسلامی در منطقه جز ماجراجویی و کشاندن ایران به لبه پرتگاه جنگ، حاصلی نداشته است. اکنون بر همه نیروهای دمکرات، چپ و صلح دوست است تا در مبارزه علیه سیاستهای جنگ افروزانه و خانمانسوز رژیم حاکم بر ایران هماهنگی و همپیوندی لازم را عملی نموده و شعله‌های جنبش «زن، زندگی، آزادی» را که هیچگاه خاموش نشده‌است، فروزان تر نموده تا این مبارزات راه خلاصی از این حکومت ضد انسانی، جنایتکار و سرکوبگر را هموار کنند.

رفع خطر این جنگ و جنگهای دیگر، از راه سرنگونی رژیم اسلامی حاکم بر ایران می‌گذرد!

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

پنج‌شنبه دهم آبان‌ماه ۱۴۰۳ - سی و یکم اکتبر ۲۰۲۴